

بررسی مشکلات کنونی جوانان

گلوله برفی در راه

مصاحبه اختصاصی با دکتر حبیب‌الله زنجانی، رییس انجمن جمعیت شناسی ایران و عضو هیأت تحریریه ماهنامه «اقتصاد ایران»

اقتصاد ایران: ارزیابی شما از وضعیت کنونی حاکم بر جامعه جوان کشور چیست؟

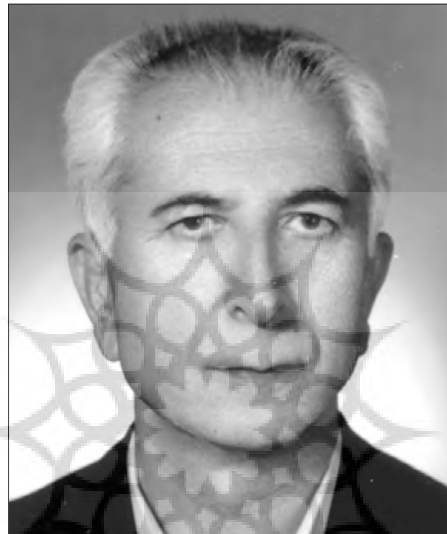
در سال ۸۵، بالغ بر ۱۷ میلیون و ۷۳۰ هزار نفر از جمعیت کشور، در سنین ۲۴ - ۱۵ سالگی و ۷ میلیون و ۲۲۲ هزار نفر در سنین ۲۹ - ۲۵ سالگی قرار داشته‌اند. با تعریف مرکز آمار ایران، افراد ۲۴ - ۱۵ ساله و با تعریف سازمان ملی جوانان، افراد ۲۹ - ۱۵ ساله، جامعه جوانان را تشکیل می‌دهند. مطابق با تعریف اول ۲۵/۲ درصد و مطابق با تعریف دوم ۳۵/۴ درصد جمعیت کشور را جوانان تشکیل می‌دهند. این قشر از جامعه، در حال حاضر درگیر سه دل‌مشغولی بزرگ بیکاری، مسکن و ازدواج است که به دنبال آنها مسایل دیگری چون اعتیاد، گسست نسل‌ها و ضعف جایگاه و منزلت اجتماعی و اقتصادی نیز قابل طرح می‌باشند. بدیهی است که در یک مصاحبه کوتاه، نه تنها نمی‌توان به همه این مسایل پرداخت، حتی نمی‌توان حق مطلب را در یکی از این زمینه‌ها به خوبی ادا کرد، چراکه جوانان، با درجات مختلف، درگیر این مسایل هستند و به همین دلیل، هر یک از این مسایل، موشکافی‌های دقیق‌تری را می‌طلبد. با نیم‌نگاهی به مسأله اشتغال، به عنوان یکی از مهمترین مشکلات جامعه جوان ایران، اهمیت این امر روشن خواهد شد.

نسبت بیکاری جوانان از گذشته‌های دور، همواره بیشتر از نسبت بیکاری جمعیت واقع در سنین کار و فعالیت بوده، ولی شکاف بین این دو در طول زمان افزایش یافته است. بالا بودن این نسبت در بین جوانان ۲۴ - ۲۰ ساله در شهرها و روستاهای کشور و بر حسب جنسیت کاملاً مشهود است.

مطالعات نمونه‌ای هم نشان می‌دهند که نسبت بیکاری در بین دارندگان تحصیلات عالی، بیش از سایر افراد است و این همان فشار و مضیق‌ای است که بخش عمده‌ای از جامعه جوان کشور را تحت تأثیر خود قرار داده است. بی‌تردید بحث درباره مسکن و ازدواج جوانان در کشور، وضعی مطلوب‌تر از اشتغال آنان را نشان نخواهد داد و مسایل دیگر نیز در ارتباط با این سه مسأله بزرگ، نمی‌توانند وضعیت مطلوب‌تری را دیکته نمایند.

اقتصاد ایران: کاهش سن اعتیاد و شیوع آن بین نوجوانان، افزایش سن ازدواج، افزایش بیکاری و معضل مسکن، از مهمترین مشکلات موجود قشر جوان می‌باشند. چرا علیرغم ظرفیت‌های بالقوه درآمدی کشور که می‌توانند زمینه‌ساز حل بحران‌های اقتصادی، اجتماعی مذکور

باشند، مسایل فوق‌همچنان قابل طرح هستند؟ مسایل اجتماعی، نه یک شبه ایجاد می‌شوند و نه یک شبه قابل درمان هستند. این مسایل براساس قانون «گلوله برفی» شکل می‌گیرند، ابتدا هسته کوچکی دارند، ولی با گذشت زمان و به تدریج با حرکت دورانی،



بزرگ و بزرگتر شده و هرگاه در مسیر خود به مانعی برخورد کنند یا متلاشی شده یا منحرف می‌گردند و در این انحراف، معمولاً لطمه‌ها و خسارت‌های جبران‌ناپذیری را به بار می‌آورند.

آثار این قاعده را در بسیاری از مسایلی که جوانان با آن مواجه‌اند می‌توان جست‌وجو کرد. در سال‌های گذشته، به دلیل کمتر بودن میزان نفوذپذیری اعتیاد در جامعه، خانواده‌ها، نقش بیشتری در کنترل این معضل اجتماعی داشتند. اما با گسترش این پدیده و محدودیت توان خانواده، به همراه کاهش حیطه نظارتی آن، به تدریج، تضاد نسل‌ها برای این افراد ظهور و بروز کرده و در نهایت، جوانان از حریم امن خانه بریده و به گروه‌های همبازی می‌پیوندند. با توجه به صور مختلف بازی و در اختیار قرار گرفتن انواع مواد مخدر، مسأله اعتیاد و کنترل و درمان آن نیز پیچیده‌تر خواهد شد. خانواده در این راه به بن‌بست رسیده و جامعه نمی‌تواند جای آن را پر کند. بگیر و ببندهای بی‌برنامه و مقطعی هم، کاری از پیش نمی‌برد و مهمتر از همه، از آنجا که نظام اجتماعی راه‌حل مشخصی برای این درد نخواهد داشت، رهنمودهای متخصصان امر، هرگز در جایی جمع و به برنامه تبدیل نشده و در شرایطی که هیچ سازمانی مسؤلیت تام و تمام این پدیده را بر

عهده ندارد، راهی جز توسعه این پدیده‌های مخرب اجتماعی نمی‌توان متصور بود. این راه، در حال حاضر به سراشیمی رسیده و به سرعت پیش پای جوانان قرار گرفته است. گریه و زاری و وعظ و نصیحت، در آن چاره‌ساز نیست. باید به علم، برنامه و راه‌های هدفمند برگشت و آن را - هر قدر هم که دیر شده باشد - پیدا کرد و پیمود. همین وضع را می‌توان به اشکال گوناگون، در مورد تمام مسایلی مطرح ساخت که امروزه مبتلابه جوانان است. بیکاری، نمونه کاملاً قابل قیاسی است و معضل ازدواج و مسکن نیز با همین دید، قابل بحث و بررسی می‌باشند.

اقتصاد ایران: عوامل تأثیرگذار بر تشدید بحران هویت موجود در جامعه جوان کشور چه می‌باشند؟

جامعه ما یکی از حساس‌ترین دوران خود را طی می‌کند. وقتی یک نوع نظم اجتماعی گسسته شده و نوع دیگری جایگزین آن شود، ناهنجاری‌های اجتماعی، نمود یافته و فرهنگ و ارزش‌های قبلی، کارکردهای خود را از دست می‌دهند و تا وقتی که فرهنگ و ارزش‌های جدیدی به طور کامل مستقر نشوند، بحران هویت، حکمفرما خواهد بود و اهداف و آرمان‌ها را با چون و چرا مواجه خواهد ساخت. به این ترتیب، گروه‌های آسیب‌دیده، بر سر دوراهی‌های نامشخصی قرار می‌گیرند. در این شرایط، هر کسی راه را از ظن خویش می‌یابد و بی آن که این راه‌ها به بزرگراه‌های مورد قبول جامعه بپیوندند، بی‌جهت یکدیگر را قطع کرده و جامعه را بر سر چند راهی‌های آزمون نشده‌ای قرار می‌دهند که از آنها چیزی جز بحران هویت زاده نخواهد شد.

اقتصاد ایران: با توجه به وجود نهادهای متعدد و بعضاً موازی در ارتباط با جوانان، کماکان شاهد مشکلات فراوانی که جامعه جوان ما با آن دست و پنجه نرم می‌کند، هستیم. تحلیل شما از عدم موفقیت در کسب نتیجه مطلوب چیست؟

وجود نهادها و سازمان‌های مختلف برای پرداختن به یک موضوع واحد، وقتی لازم یا قابل توجیه است که مجموعه آنها از یک برنامه مشخص و شفاف تبعیت کنند. در اغلب موارد، وجود نهادها و سازمان‌های مختلف در یک زمینه، بازدارنده است و نمی‌توان همه آنها را زیر یک چتر منسجم و برنامه‌ریزی شده قرار داد. علی‌الاصول، هر برنامه‌ای باید مسایل مربوط به موضوع

جوانان در برنامه چهارم توسعه

قانون جوانی

خود را در کلیت و تمامیت، به صورت کاملاً مشخص تدوین کند و نقش سازمان‌هایی را که باید آن برنامه را به تحقق برسانند، تعریف نماید. این نقش‌ها نیز باید قابل کنترل و ارزیابی باشند، یعنی از مجاری قانونی شکل بگیرند و عملکردی کاملاً شفاف داشته باشند. این شفافیت، باید هم برای عاملان و کارگزاران برنامه و هم برای مردمی که تحت عملکرد آن برنامه هستند، شناخته شده و الزام‌آور باشد، وگرنه هر کسی، راهی جداگانه می‌پیماید و این راه‌ها - حتی اگر هدفمند هم باشند - در یک راستا قرار نمی‌گیرند و در نهایت، به وضعیتی منجر می‌شوند که هیچ‌کس به درستی حقوق و وظایف خود را نمی‌شناسد و به آن پاسخگو نخواهد بود و این همان بی‌راهه‌ای است که بسیار شاهد آن بوده‌ایم.

اقتصاد ایران: چه راهکارهایی برای تقویت نقش جوانان در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی کشور پیشنهاد می‌کنید؟
 در وهله اول، باید کارهایی را که تاکنون انجام داده و به نتیجه نرسیده‌ایم، دنبال نکنیم و به منطق برنامه‌ریزی جامع و مسئول برگردیم. در عین حال حق و تکلیف را از طرفین به صورت برابر بخواهیم و الزامات برنامه‌ریزی و انجام آن را به گونه‌ای که باید، فراهم کنیم. دولت موظف است که نهادهای علمی و فنی کنترل و ارزیابی را برای حسن انجام کار به وجود آورده و داوری آنها را گرمی دارد و به نقطه نظرهايشان عمل کند. سرانجام آن که، این موارد را در متن برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی قرار داده و برای خود حقی برای مثله کردن برنامه قابل نشود. این بدترین آفت در حل مسایل و مشکلات اقتصادی و اجتماعی است.

اقتصاد ایران: اقدامات دولت نهم را در رفع مشکلات جمعیت جوان کشور چگونه ارزیابی می‌کنید؟
 بهتر است دولت، زمان‌بندی‌هایی را که برای حل مشکلات جوانان مطرح کرده، مرور کند و در پی تمديد این زمان‌بندی‌ها برنیاید. مناسب است که یک بار دیگر رؤس اقداماتی را که در برنامه‌ها مطرح شده، بررسی نموده و آنها را به انجام برساند. از همه مهمتر، سازمان ملی جوانان را از سازمانی که دائماً در حال مطالعه بی‌نتیجه مسایل جوانان است، خارج کرده و به سازمانی پویا، برای حل بسیاری از مسایلی که تاکنون مطالعه شده است تبدیل کند تا به این ترتیب، بتوان به آینده جوانان این مرز و بوم، چشم امید داشت.

اقتصاد ایران: متشکریم. ■

افزایش نسبت بیکاری جوانان

سال	۲۴ - ۲۰ ساله	کل جمعیت	نسبت بیکاری جوانان به کل
۱۳۵۵	۱۱/۱	۱۰/۲	۱/۹
۱۳۷۵	۱۶/۲	۹/۱	۱/۷۸
۱۳۸۵	۲۶/۴	۱۲/۸	۲/۰۶

منبع: مرکز آمار ایران، نتایج طرح آمارگیری نیروی کار.

شاید با عمل به مواد قانونی و اسناد توسعه کشور که به بررسی همه جانبه مسایل جامعه، خصوصاً جوانان می‌پردازد، فرصت‌ها را از دست نمی‌دادیم.

نرم‌افزاری را برای توسعه کمی و کیفی برنامه مذکور، ضروری دیده است، عدم حاکمیت قاعده دانش‌مداری و کارآفرینی بر آموزش در کشور، گویای ناتوانی دولت‌ها در اجرای این بند از قانون می‌باشد. عدم ارزیابی دانشگاه‌های کشور از ابعاد سطح علمی دانشجویان و استادان، توسط وزارتخانه علوم و سایر وزارتخانه‌های مرتبط، عدم تطابق نیازهای بازار کار و علوم دانشگاهی و تداوم بی‌توجهی به نخبگان و استعدادها در بخش علمی کشور، نتیجه همان عدم توفیقی است که در ابعاد اجرایی، دولت‌ها با آن دست به گریبانند.

توجه به تأمین فرصت‌های برابر آموزشی، به ویژه در مناطق کمتر توسعه یافته و ارتقای بهره‌وری نیروی انسانی، با توجه به توسعه کمی و کیفی آموزش عمومی، موضوع ماده ۵۲ قانون برنامه چهارم می‌باشد. در این راستا، تعمیق و بهبود آموزش و ارتقای توان علمی و مهارتی معلمان، با تدوین استانداردهای حرفه‌ای آنها، مورد تأکید قرار گرفته است. متأسفانه شرایط حاکم بر جامعه معلمان و استادان دانشگاهی، توفیق‌بندهایی از این ماده قانونی را همچون افزایش انگیزه شغلی معلمان، اصلاح نظام پرداخت‌ها متناسب با میزان بهره‌وری، تدوین نظام سنجش صلاحیت علمی و آموزشی آنان و از همه مهمتر، برنامه‌ریزی برای تدوین برنامه‌های آموزشی و ارتقای سلامت را با تردید مواجه ساخته است.

در عین حال، ماده ۵۵ برنامه چهارم توسعه، دولت را مکلف ساخته تا در راستای گسترش دانش و مهارت و اصلاح هرم تحصیلی نیروی کار و ارتقای نیروی انسانی و همچنین به منظور ایجاد فرصت‌های جدید شغلی برای جوانان، به برپایی نهادی سیاست‌گذار در آموزش فنی - حرفه‌ای و علمی - کاربردی مبادرت نموده و به تصویب چشم‌اندازها، راهبردها و سیاست‌های کلان، در راستای تحقق این امر مبادرت نماید. استمرار نظام کارآموزی و کارورزی برای تمام نظام‌های آموزشی، بند دیگری از این ماده قانونی است. متأسفانه همواره جای خالی بررسی و ارزیابی صحیح و مطابق با موازین بین‌المللی، باعث می‌شود تا نتوانیم وضعیت موجود نیروی کار کشور را از بُعد مهارت و دانش، مورد بررسی قرار دهیم. علیرغم پیش‌بینی‌های صورت گرفته در این زمینه، متأسفانه هنوز برای رسیدن به سطح قابل قبول و استاندارد، فاصله زیادی باقی است.

دولت هشتم، با دغدغه توسعه فرهنگی، اقتصادی، اشتغال و آموزش، به خصوص در بین جوانان و با تدوین

بسیاری از مواد برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی که توسط دولت‌های پس از انقلاب تدوین شده و به عنوان اسناد رسمی و اجرایی، مدنظر قرار گرفته است، در راستای ارتقا و رشد و تعالی کشور طراحی و به مرحله اجرا درآمده است. این که اجرای طرح و برنامه‌های مزبور تا چه اندازه به توفیق دست یافته، به بررسی‌های عمیق‌تری نیازمند است. متأسفانه چالش اصلی مدیریت کلان کشور، شکست در برنامه‌ریزی است. اگرچه تاکنون، برنامه‌های تحول‌گرا و اصلاح‌گراوانی در جلسات هیأت دولت، صحن‌های علنی و غیرعلنی مجلس و دستورالعمل‌های درون‌سازمانی به تصویب رسیده، اما متأسفانه، یا همگی در مرحله اجرا کاملاً ناکام مانده و یا با اجرای ناقص مواجه شده‌اند.

ماده ۴۳ قانون برنامه چهارم توسعه، با توجه به اهمیت نقش دانش، فن‌آوری و مهارت، به عنوان اصلی‌ترین عوامل ایجاد ارزش افزوده در اقتصاد، نوسازی و بازسازی سیاست‌ها و راهبردهای پژوهشی و آموزشی را مدنظر قرار داده و بر تهیه برنامه‌های جامع توسعه علمی و فن‌آوری کشور تأکید نموده است. در این راستا، اتخاذ تصمیمات مربوط به حداکثر بهره‌برداری از ظرفیت‌های ملی و منطقه‌ای حوزه‌های مختلف علمی، در کنار بازنگری در ساختار و نوسازی فرآیندهای تحقیقات در علوم، به منظور توسعه کیفی و انجام پژوهش‌های حرفه‌ای و ارتقای توان نظریه‌پردازی، مطابق با استانداردهای جهانی مورد بررسی قرار گرفته است. ماده ۴۵ همین قانون، به بررسی گسترش بازار محصولات دانایی‌محور و دانش‌بنیان پرداخته و با ارایه راهکارهایی، انجام این عملیات را در رأس برنامه‌های علمی و پژوهشی خود قرار داده است. برخی از این راهکارها را می‌توان در قالب پرداخت بخشی از هزینه‌های ثبت جواز امتیاز علمی، اتخاذ تدابیر بیمه‌ای برای قراردادهای پژوهشی، فنی و فعالیت‌های تولیدی و خدماتی دانش‌محور، حمایت از پژوهش‌های سفارشی از طریق پیش‌بینی اعتبار در بودجه سنواتی، اصلاح قوانین و مقررات و ایجاد تسهیلات لازم، حمایت مالی مستقیم از مراکز و شرکت‌های تحقیقات توسعه‌ای و تأسیس صندوق‌های غیردولتی پژوهش و فن‌آوری معرفی کرد.

در حالی که ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه، دولت را موظف به زمینه‌سازی و تربیت نیروی انسانی دانش‌مدار و کارآفرین نموده و انطباق دانش و نهضت